

بررسی رابطه‌ی بین اضطراب جنسی و انگیزه جنسی با عشق در بین زنان و مردان

شبنم امیری فخر^۱، مهناز عسکریان^۲

۱. کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، اراک، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، اراک، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره پنجاه و ششم، سال ۱۴۰۲، صفحات ۴۹۵-۴۸۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه عشق و اضطراب جنسی با انگیزه جنسی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر تهران در بازه سنی ۲۰-۴۵ سال بود که از این میان ۳۸۴ نفر به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. گردآوری داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه تمایل جنسی هالبرت (۱۹۹۹)، پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی اسنل و همکاران (۱۹۹۳) و مقیاس عشق پرشور هاتفیلد و اسپرچر (۱۹۸۶) صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS25 استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد بین عشق و اضطراب جنسی با انگیزه جنسی در زنان و مردان رابطه وجود دارد و این متغیرها در مجموع قادر به تبیین ۵۹ درصد از واریانس انگیزه جنسی هستند. دیگر یافته پژوهش نشان داد که همبستگی مثبت و نسبتاً قوی بین عشق و انگیزه جنسی وجود دارد. همچنین رابطه میان اضطراب جنسی و انگیزه جنسی منفی و معنادار به دست آمد. از میان متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر متغیر عشق قوی‌ترین پیش‌بین انگیزه جنسی در زنان و مردان بود. نتایج این پژوهش مسیرهای جدیدی را در جهت برنامه‌ریزی راهبردهای پیشگیرانه و درمانی انگیزه و کزکاری‌های جنسی ایجاد می‌نماید.

کلیدواژه: عشق، اضطراب جنسی، انگیزه جنسی.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره پنجاه و ششم، سال ۱۴۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 رفتاری

مقدمه

دلایلی که مردان و زنان را تشویق به انجام فعالیت جنسی می‌کند به لحاظ نظری و بالینی دارای اهمیت است. انگیزه جنسی که اغلب میل جنسی^۱ نیز خوانده می‌شود به وضعیت ذهنی (با اجزای روانی، جسمانی، عاطفی و شناختی) نسبت داده می‌شود که برانگیزاننده و آغازکننده رفتار جنسی در انسان است و توسط محرک‌های داخلی و خارجی ایجاد می‌شود (مارک، هربنیک، فورتنبری و همکاران^۲، ۲۰۱۴؛ کاروالهو و نوبر^۳، ۲۰۱۱). دیدگاه‌های نظری در مورد انگیزه‌های جنسی در طول زمان تغییر کرده است، از مفاهیم پویاتر و مفصل‌تر فروید تا تصورات ساده‌تر و بیولوژیکی رابطه جنسی به عنوان وسیله‌ای برای آزادسازی انرژی جنسی (کینسی، پومروی و مارتین^۴، ۲۰۰۳) یا دستیابی به ارگاسم^۵ (پروتا^۵، ۲۰۲۰). دانشمندان تصور می‌کنند که افراد به یکی از سه دلیل زیر یا ترکیبی از آن‌ها به فعالیت‌های جنسی دست می‌زنند: عشق، میل به لذت و یا میل به باروری (مستر و جانسون، ۱۹۶۶).

انگیزه‌های فعالیت جنسی پیامدهای مهمی برای درک و درمان مشکلات بالینی به‌ویژه اختلال میل / برانگیختگی جنسی^۶ در زنان و مردان دارد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳؛ گیرالدی، کریستسنسن و ساند^۸، ۲۰۱۵؛ کرونا، راسترلی، ریجا و همکاران^۹، ۲۰۱۳). با توجه به نظرات متخصصان و اصول بالینی چهارمین مشاوره بین‌المللی در زمینه پزشکی جنسی^{۱۰} یک تعریف تک جنسیتی از اختلال میل جنسی به عنوان "کمبود مداوم یا مکرر یا عدم وجود افکار یا تخیلات جنسی یا شهوانی و تمایل به فعالیت جنسی" نشان می‌دهد که با وجود برخی از ویژگی‌های علت‌شناسی و شیوع، در مردان و زنان مشابه است (مک کاب، شارلیپ، آتالا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶). این امر اهمیت بررسی علل و عوامل مرتبط با انگیزه جنسی را آشکار می‌سازد.

مدل زیستی-روانی تعامل پیچیده‌ای را بین فرایندهای شناختی داخلی، مکانیسم‌های نوروفیزیولوژیکی و اجزای عاطفی در انگیزه جنسی به رسمیت شناخته است (کرونا و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعات بسیار کمی تلاش کرده‌اند به توصیف این روابط بپردازند (دویت و مایر^{۱۲}، ۲۰۱۸؛ مستون و استانتون^{۱۳}، ۲۰۱۷؛ داسچ، روچات، گیسلتا و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۶؛ کارالهو و نوبر^{۱۵}، ۲۰۱۱). علاوه بر این چندین مطالعه تفاوت‌های جنسیتی در انگیزش جنسی را مورد بررسی قرار داده‌اند (مستون، کیلیمنیک، فریهارت و همکاران^{۱۶}،

1. Sexual desire
2. Mark, Herbenick, Fortenberry et al
3. Carvalho and Nobre
4. Kinsey, Pomeroy and Martin
5. orgasm
6. Perrotta
7. sexual interest/arousal disorder
8. Girdali, Kristensen and Sand
9. Corona, Rastrelli, Ricca et al
10. Fourth International Consultation on Sexual Medicine (ICSM)
11. McCabe, Sharlip, Atall et al
12. Dewitte and Mayer
13. Meston and Stanton
14. Dosch, Rochat, Ghisletta et al
15. Carvalho and Nobre
16. Meston, Kilimnik, Freihart et al

۲۰۲۰، مستون و باس^۱، ۲۰۰۷) که نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان در درجه اول دلایل مرتبط با رابطه را عامل انگیزه جنسی می‌دانند، درحالی‌که مردان بیشتر دلایل خودمتمکز را گزارش کردند. بااین‌حال درک عوامل خاص مؤثر بر ماهیت انگیزه جنسی در مردان و زنان دارای نواقصی است و باید مورد بررسی قرار گیرد.

عشق یکی از متغیرهایی است که در پژوهش حاضر ارتباط آن با انگیزه جنسی مورد بررسی قرار گرفته است. در ارزیابی عشق، نظریه‌پردازان بر دو مفهوم متفاوت متمرکز هستند. برخی «عشق» را حالت عاطفی شدیدی می‌دانند که با اشتیاق، ایده‌آل‌سازی، جذابیت جنسی و تمایل به اتحاد کامل با شخصی دیگر همراه است؛ جای تعجب نیست که در این تعبیر، عشق منجر به وابستگی بیش‌ازحد شده و فرد قربانی نیازهای شخصی و رفتارهای جنسی پر خطر می‌شود. گروهی دیگر «عشق» را با محبت به شریکی که دارای احساساتی مشابه است، برابر می‌دانند؛ چنین تعریفی از عشق منجر به نتایج مثبت‌تری می‌شود (هاتفیلد، لوکارست و راپسون^۲، ۲۰۱۱). نلسون^۳ (۱۹۷۹) مردان و زنانی را مورد بررسی قرارداد که عشق را مهم‌ترین انگیزه برای انجام رفتارهای جنسی می‌دانستند. یافته‌های این مطالعه نشان داد زنان و مردانی که عشق و رابطه جنسی را یکسان می‌دانستند، رابطه جنسی گاه‌به‌گاه کمتر، شرکای جنسی کمتر و رابطه جنسی صمیمی‌تری داشتند. آرمسترانگ و ریسنینگ^۴ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تأثیر نوع رابطه بر انگیزه جنسی را بررسی کردند؛ نتایج نشان داد انگیزه‌های جسمانی در افرادی که روابط جنسی گاه‌به‌گاه را ترجیح می‌دهند، بیشتر ظاهر می‌شود؛ درحالی‌که افرادی که دارای رابطه متعهدانه هستند، انگیزه‌های احساسی قوی‌تری را نشان می‌دهند. جمشیدی بورخانی (۱۳۹۵) نیز در مطالعه‌ای دریافت عشق‌ورزی رمانتیک با انگیزه جنسی رابطه معنادار دارد.

بررسی پیشینه پژوهشی صورت گرفته در خصوص عشق و تمایلات جنسی، غالباً مسئله تفاوت جنسیتی در سبک‌های عشق را مطرح می‌کند (رافاگینو و پودو^۵، ۲۰۱۸؛ زیگلر-هیل، بریتون، هولدن^۶، ۲۰۱۵). یافته‌های موجود نشان می‌دهد که مردان تمایل بیشتری به سبک عشق تفننی^۷ دارند درحالی‌که زنان سطوح بالاتری از عشق افراطی^۸، دوستانه^۹ و منطقی^{۱۰} را گزارش کردند (هندریک و هندریک^{۱۱}، ۱۹۹۵). این بدان معناست که مردان تمایل دارند اعتقادات و نگرش‌های عاشقانه‌ای داشته باشند که با شهوت همراه است. در مقابل زنان بیشتر بر اساس عشق عملی و احساس ناامیدی روابط خود را ایجاد می‌کنند. بر همین اساس مردان بیشتر از زنان تمایل دارند در روابط جنسی کوتاه‌مدت شرکت کنند، درحالی‌که زنان دچار پشیمانی جنسی می‌شوند (کنایر، وایکوف، آساو و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۸).

- 1 . Meston and Buss
- 2 . Hatfield, Luchhurst and Rapson
- 3 . Nelson
- 4 . Armstrong and Reissing
- 5 . Raffagnino and Puddu
- 6 . Zeigler-Hill, Britton, Holden et al
- 7 . ludus
- 8 . mania
- 9 . storge
- 10 . pragma
- 11 . Hendrick and Hendrick
- 12 . Kennair, Wyckof, Asao et al

اضطراب عملکرد جنسی یکی از شایع‌ترین شکایات جنسی است که به نظر می‌رسد با انگیزه جنسی افراد مرتبط باشد. اضطراب عملکرد جنسی برای اولین بار توسط مسترز و جانسون^۱ (۱۹۷۰) بالینی شد و «نشان‌دهنده ترسی است که هنگام انجام عمل جنسی برای شخص به وجود می‌آید» (بارلو^۲، ۱۹۸۶). برخی از جنبه‌های چرخه پاسخ جنسی زن و مرد شامل سیستم عصبی خودمختار است، که تحت کنترل فرد نیست و می‌تواند به‌خودی‌خود اضطراب را افزایش دهد. برآورد جدیدی از شیوع اضطراب عملکرد جنسی نشان می‌دهد که ۹-۲۵ درصد از مردان و ۶-۱۶ درصد از زنان اضطراب عملکرد جنسی را گزارش کرده‌اند (پیکه^۳، ۲۰۲۰). برای مردان انزال زودرس^۴ و اختلال نعوظ روان‌زاه^۵ و مهار میل جنسی در زنان پیامد بالقوه اضطراب عملکرد جنسی است (پیکه، ۲۰۲۰). پژوهش‌های بسیاری محدودی به‌ویژه در داخل کشور رابطه اضطراب را بر انگیزه جنسی در زنان مورد بررسی قرار داده‌اند (برآبادی، آگاه، قسامی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ایزدی دهنوی، یعقوبی و حیدری نسبت، ۱۳۹۵)؛ اما تحقیقات تجربی که به طور خاص ارتباط اضطراب عملکرد جنسی را با انگیزه جنسی در هر دو گروه مردان و زنان مورد بررسی قرار داده باشد به دست نیامد.

تصور بر این است که تمایلات جنسی^۶ بخش مهم و جدایی‌ناپذیر، زندگی بشر است (ساتچر^۷، ۲۰۰۱). داشتن فعالیت‌های جنسی با سلامت و بهزیستی جسمانی و روانی بهتر همراه است (برودی^۸، ۲۰۱۰، عبدالهی، شکرگزار، شیراوزن و همکاران، ۱۴۰۰) باین‌حال، علی‌رغم اهمیت انگیزه جنسی در زندگی، مطالعات روان‌شناختی جنسیت بیشتر بر آسیب‌شناسی و ویژگی‌های منفی انگیزه جنسی مانند فزون‌خواهی جنسی^۹ و دیگر اختلالات جنسی (بوته، تاس-کیرالی، پتنزا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ گرویس، پری، ویلت و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸)، مخاطرات جنسی (ولوزا، کمپ، آنون و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۰) و بیماری‌ها (ژو، فو، لیو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۷) متمرکز است. درحالی‌که این مطالعات مطمئناً دارای اهمیت هستند، آن‌ها تصویری نسبتاً یک طرفه از انگیزه جنسی انسان ترسیم می‌کنند. بر همین اساس محقق قصد دارد علل و عوامل مرتبط با میزان انگیزه جنسی را مورد مطالعه قرار دهد؛ چرا که آگاهی از عوامل مرتبط با انگیزه‌های جنسی ممکن است به کاهش تعارضات، بهبود روابط زوجین و ارتقاء سلامت روان افراد کمک کند. لذا هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین اضطراب جنسی و انگیزه جنسی با عشق در بین زنان و مردان می‌باشد. با استنباط از آنچه گفته شد و استنباط از مبانی نظری و تجربی پژوهش فرضیه زیر قابل تدوین است: بین اضطراب جنسی و انگیزه جنسی با عشق در بین زنان و مردان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- 1 . Masters and Johnson
- 2 . Barlow
- 3 . Pyke
- 4 . premature ejaculation (PE)
- 5 . psychogenic erectile dysfunction (ED)
- 6 . Sexuality
- 7 . Satcher
- 8 . Brody
- 9 . hypersexuality
- 10 . Bóthe, Tóth-Király, Potenza et al
- 11 . Grubbs, Perry, Wilt et al
- 12 . Velloza, Kemp, Aunon and et al
- 13 . Zhu, Fu, Liu et al

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف در حیطه پژوهش‌های کاربردی و بر اساس روش یک پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر تهران است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده است که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت دارند و ۴۲۶۲۰۴۷ نفر از این تعداد متأهل بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شد. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. انتخاب نمونه‌ها به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای و از مناطق مختلف شهر تهران و بر اساس معیارهای ورود به پژوهش صورت گرفت. بدین صورت که در ابتدا، شهر تهران را به سه منطقه شمال، مرکز و جنوب تقسیم کرده و پس از آن با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از هر یک از مناطق دو سرای محله انتخاب شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل: زنان و مردان متأهل در بازه سنی ۲۰-۴۵ سال، سپری شدن حداقل یک سال از ازدواج، دارای حداقل سطح تحصیلات دیپلم و معیارهای خروج نیز شامل: مواجهه با رویدادهای تنش‌زا در شش ماه اخیر و وجود سابقه بیماری مزمن و روانی شناخته‌شده بود.

ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های تمایل جنسی هالبرت، چندوجهی مسائل جنسی و مقیاس عشق بود.

الف) پرسشنامه تمایل جنسی هالبرت: این پرسشنامه توسط هالبرت (۱۹۹۲) طراحی و در بسیاری از پژوهش‌های بین‌المللی بکار گرفته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۵ ماده است که میزان تمایل جنسی آزمودنی را موردسنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری پرسشنامه در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از همیشه «همواره چنین تمایلی دارم» = ۰ تا هرگز «هرگز چنین تمایلی ندارم» = ۴) صورت می‌گیرد. نمره کل پرسشنامه با جمع نمرات ۲۵ ماده به دست می‌آید. سؤال‌های ۱، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود (همیشه = ۴ تا هرگز = ۰). کمینه و بیشینه نمره تمایل جنسی بین صفر تا ۱۰۰ می‌باشد، که نمره بالا حاکی از میزان بالای تمایل جنسی در آزمودنی می‌باشد. هالبرت (۱۹۹۲) پایایی پرسشنامه تمایل جنسی را به شیوه آزمون-بازآزمون ۰/۸۶ به دست آورد. ضرایب همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از دوروش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بود که در سطح رضایت بخشی قرار دارند. در ایران نیز یوسفی، کاوه فارسانی، شکیبیا و همکاران (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

ب) پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی: پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی توسط اسنل، فیشر و والترز (۱۹۹۳) به منظور سنجش ابعاد مختلفی از دانش و نگرش جنسی تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی است که برای اندازه‌گیری ۱۲ زیرمقیاس از مسائل جنسی انسان از ۵ گویه تشکیل شده است. نمره‌گذاری در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از اصلاً تناسب ندارد = ۰ تا خیلی تناسب دارد = ۴) صورت می‌گیرد و نمره هر خرده مقیاس می‌تواند از ۰ تا ۲۰ متغیر باشد. در ایران پایایی خرده مقیاس اضطراب جنسی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شد (کاظمی، قربانی، بحرینی، بروجنی و همکاران، ۱۳۹۳). اسنل و همکاران (۱۹۹۳) دریافتند که در میان دانشجویان نمره‌های زنان و مردان در پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی نه تنها با نگرش‌های جنسی

آن‌ها و رویکردهای تبدلی و تداولی‌شان به رابطه جنسی مرتبط بود، بلکه با نمره‌های آنان در سایر ابزارهایی که از نظر مفهومی شبیه پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی بودند نیز ارتباط داشت. همچنین رفتارهای جنسی مردان و زنان نیز به طور قابل پیش‌بینی‌ای با نمره‌های آنان در مقیاس‌های پرسشنامه چندوجهی مسائل جنسی مربوط بود (فیشر و اسنل، ۱۹۹۵). در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

ج) **مقیاس عشق:** در پژوهش حاضر جهت سنجش متغیر عشق، از مقیاس عشق پرشور هاتفیلد و اسپرچر (۱۹۸۶) استفاده شد. این مقیاس شامل ۱۵ ماده است که نمره‌گذاری آن بر پایه طیف لیکرت ۹ درجه‌ای از (اصلاً=۱ تا کاملاً=۹) انجام شد. برای برآورد نمره هر فرد، هر ۱۵ ماده جمع بسته می‌شوند و طیف نمرات از ۱۵ تا ۱۳۵ متغیر است. هاتفیلد و اسپرچر (۱۹۸۶) پایایی این مقیاس را به روش نرخ آلفای کرونباخ ۰/۹۱ برآورد کردند. همچنین برآیندهای حاصل از تحلیل عامل نشان داد که هر ۱۵ ماده بر روی یک عامل قرار دارند و توانسته‌اند ۷۰ درصد واریانس عامل خود را تبیین کنند. در پژوهش حاضر از نسخه ترجمه‌شده توسط رفیعی نیا و اصغری (۱۳۸۶) استفاده شد. آنان پایایی مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آوردند و جهت برآورد روایی مقیاس، این مقیاس را با مقیاس عشق رفاقتی استرنبرگ همبسته کردند. برایندها حاکی از معنی‌دار بودن نرخ محاسبه شده در سطح $p < 0.01$ بود. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون همبستگی پیرسون^۱ و رگرسیون چند متغیره^۱ برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. تمامی آزمون‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS25 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها به این صورت بود که از نظر جنسیت ۰/۴۶ زن و ۰/۵۴، از نظر سن ۰/۱۲ بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۸/۹ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۷/۷ درصد بین ۳۱ تا ۳۶، ۲۰/۶ درصد بین ۳۶ تا ۴۰ و ۴۰/۹ درصد بین ۴۱ تا ۴۵ سال بودند. از نظر تحصیلات نیز ۹/۲۱ درصد دیپلم، ۶/۸ درصد فوق دیپلم، ۳۹/۳ درصد لیسانس، ۲۸/۹ درصد فوق لیسانس بودند. از نظر طول مدت ازدواج ۸۷/۸ درصد بین ۱ تا ۵ سال، ۲/۳ بین ۶ تا ۱۰ سال، ۱/۸ بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۱/۸ درصد بیشتر از ۱۶ سال و ۶/۳ درصد هم بدون پاسخ بود.

در ادامه شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش پس از حذف پرت‌افتاده‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی	تعداد
انگیزه جنسی	۶۳/۳۰	۱۸/۷۶	۱۸	۹۱	-۰/۷۶	-۰/۱۰	۳۸۴
اضطراب جنسی	۴/۳۶	۵/۶۰	۰	۱۸	۱/۱۵	۰/۱۵	۳۸۴
عشق	۱۰۷/۴۸	۲۶/۷۵	۱۷	۱۳۵	-۱/۵۷	۳	۳۸۴

در پژوهش حاضر جهت پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چند متغیره در فرضیه اصلی و همبستگی پیرسون در فرضیات فرعی استفاده شد. پس از بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و چولگی توزیع داده‌ها، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل می‌کنیم (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

معناداری	آزمون آماری	
۰/۰۲	۰/۰۹	انگیزه جنسی
۰/۲۰	۰/۰۵	اضطراب جنسی
۰/۲۰	۰/۰۸	عشق

همان‌طور که مشاهده می‌شود سطح معناداری مربوط به آزمون کلموگروف-اسمیرنوف از ۰/۰۱ بزرگ‌تر است بر این اساس فرض نرمال بودن توزیع متغیرها در سطح خطای ۰/۰۱ پذیرفته می‌شود.

یکی از مفروضات رگرسیون، مستقل بودن خطاها از یکدیگر است. خطاها همان تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون هستند. در صورتی که خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به‌منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمونی به نام آزمون دوربین-واتسون ۱ استفاده می‌شود. مقدار به‌دست‌آمده از آزمون دوربین-واتسون بدین‌صورت تفسیر می‌گردد که اگر مقدار به‌دست‌آمده در فاصله بین ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشته باشد فرض استقلال بین خطاها پذیرفته است و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. نتایج حاصل از بررسی مفروضه نشان داد که این مقدار ۱/۹۹ می‌باشد که در فاصله بین ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد؛ بنابراین پیش‌فرض مستقل بودن خطاها در پژوهش حاضر برآورده شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی رابطه بین عشق، اضطراب جنسی و انگیزه جنسی

شماره	متغیر	۱	۲	۳
۱	انگیزه جنسی	۱		
۲	اضطراب جنسی	-۰/۵۹**	۱	
۳	عشق	۰/۶۳**	-۰/۲۸	۱

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

بر اساس نتایج جدول بالا ضریب همبستگی اضطراب جنسی با انگیزه جنسی ۰/۵۹- است که در سطح ۱ درصد معنادار است، بنابراین همبستگی منفی و متوسط بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک به چشم می‌خورد. علاوه بر این ضریب همبستگی میان عشق و انگیزه جنسی ۰/۶۳ به دست آمد که در سطح ۱ درصد معنادار است. این بدان معناست که بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک همبستگی مثبت نسبتاً قوی وجود دارد. در ادامه جهت بررسی سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین در انگیزه جنسی از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش هم‌زمان استفاده شد. در این تحلیل متغیرهای اضطراب جنسی و عشق به‌عنوان متغیر پیش‌بین و انگیزه جنسی به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند (جدول ۴)

جدول ۴. خلاصه نتایج مدل پیش‌بینی انگیزه جنسی بر اساس اضطراب جنسی و عشق

مدل	F	همبستگی چندگانه (R)	R ² تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد	sig
۱	۲۴/۴۹	۰/۷۸	۰/۵۹	۱۱/۹۴	۰/۰۰۰

1. Durbin-Watson

با توجه به جدول ۴ ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با انگیزه جنسی (۰/۷۸) است؛ که با توجه به f مشاهده شده این میزان واریانس تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در سطح ۰/۰۵ معنادار است. شاخص مجذور R تعدیل یافته توانایی پیش‌بینی متغیر ملاک را توسط متغیرهای پیش‌بین در جامعه بررسی می‌کند در واقع با کمی تعدیل، نمونه را به تمام جامعه بسط می‌دهد. مقدار این ضریب در این پژوهش ۰/۵۹ به دست آمد، به عبارت دیگر در مجموع متغیرهای اضطراب جنسی و عشق، توان پیش‌بینی ۵۹ درصد از انگیزه جنسی را در زنان و مردان دارند. در جدول ۵ ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده رگرسیون گزارش شده است.

جدول ۵. ضریب رگرسیون چند متغیره (به روش هم‌زمان) برای پیش‌بینی انگیزه جنسی با توجه به متغیرهای اضطراب جنسی و عشق

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		Beta	B	
۰/۰۰۵	۳/۰۲		۹/۷۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	-۳/۷۷	-۰/۴۴	۰/۳۹	اضطراب جنسی
۰/۰۰۰	۴/۵۶	۰/۵۳	۰/۰۸	عشق

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش هم‌زمان نشان داد (جدول ۴-۱۱)، متغیرهای عشق ($\beta = 0/53$) و اضطراب جنسی ($\beta = -0/44$) - به ترتیب قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی انگیزه جنسی در زنان و مردان هستند. این بدان معناست که انگیزه جنسی در زنان و مردان با عشق و اضطراب جنسی مرتبط است و با توجه به علامت مثبت ضریب بتا در متغیر عشق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با بهبود روابط عاشقانه، میزان انگیزه جنسی در زنان و مردان افزایش می‌یابد. حال که با توجه به علامت منفی ضریب بتا در متغیر اضطراب جنسی می‌توان چنین نتیجه گرفت که افزایش اضطراب جنسی با کاهش انگیزه جنسی در زنان و مردان همراه است. با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه اصلی پژوهش حاضر تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین عشق و اضطراب جنسی با انگیزه جنسی در زنان و مردان رابطه وجود دارد و این متغیرها در مجموع قادر به تبیین ۵۹ درصد از واریانس انگیزه جنسی هستند. از این میان متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر متغیر عشق ($\beta = 0/53$) قوی‌ترین پیش‌بین انگیزه جنسی در زنان و مردان است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین اضطراب جنسی و انگیزه جنسی با عشق در بین زنان و مردان بود. یافته‌ها نشان داد که بین عشق و اضطراب جنسی با انگیزه جنسی در زنان و مردان رابطه وجود دارد و این متغیرها در مجموع قادر به تبیین ۵۹ درصد از واریانس انگیزه جنسی هستند. از این میان متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر متغیر عشق ($\beta = 0/53$) قوی‌ترین پیش‌بین انگیزه جنسی در زنان و مردان است. در مقایسه با سایر پژوهش‌ها، اگرچه پژوهشی کاملاً مشابه با مطالعه حاضر به دست نیامد، اما می‌گفت که این یافته با نتایج پژوهش‌های داخلی صفایی و همکاران (۱۳۹۷)، جمشیدی بورخانی (۱۳۹۵)، فقیه‌نیا و اسدی (۱۳۹۵)، ایزدی دهنوی (۱۳۹۴)، سپهریان و حسین‌پور (۱۳۹۱) و مطالعات خارجی نیمبی و همکاران (۲۰۲۰)، وولز و مارک (۲۰۲۰)، لئو و همکاران (۲۰۱۸)، دویت و مایر (۲۰۱۸)، دانگ و همکاران (۲۰۱۸)، هاتفیلد و همکاران (۲۰۱۱) همخوان است. در همین ارتباط هاتفیلد و همکاران در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۱ انجام دادند دریافتند انگیزه‌های زنان برای شرکت در فعالیت جنسی عشق، تعهد، صمیمیت، انطباق جنسی، برآوردن نیازهای شریک زندگی، تحکیم روابط و اجبار بیان شده است. در حالی که انگیزه‌های مردان برای شرکت در روابط جنسی جذابیت فیزیکی شریک زندگی، لذت، قدرت، تجربه و تنوع جنسی، کاهش استرس، انگیزه‌های مادی

و مالی ذکر شده است. در تبیین نتایج حاصل از فرضیه اصلی پژوهش می‌توان بیان داشت، در ارزیابی عشق، نظریه‌پردازان بر دو مفهوم متفاوت متمرکز هستند. برخی «عشق» را حالت عاطفی شدیدی می‌دانند که با اشتیاق، ایده‌آل‌سازی، جذابیت جنسی و تمایل به اتحاد کامل با شخصی دیگر همراه است؛ جای تعجب نیست که در این تعبیر، عشق منجر به وابستگی بیش‌ازحد شده و فرد قربانی نیازهای شخصی و رفتارهای جنسی پر خطر می‌شود. گروهی دیگر «عشق» را با محبت به شریکی که دارای احساساتی مشابه است، برابر می‌دانند؛ چنین تعریفی از عشق منجر به نتایج مثبت‌تری می‌شود (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۱). نلسون (۱۹۷۹) مردان و زنانی را مورد بررسی قرارداد که عشق را مهم‌ترین انگیزه برای انجام رفتارهای جنسی می‌دانستند. یافته‌های این مطالعه نشان داد زنان و مردانی که عشق و رابطه جنسی را یکسان می‌دانستند، رابطه جنسی گاه‌به‌گاه کمتر، شرکای جنسی کمتر و رابطه جنسی صمیمی‌تری داشتند. آرمسترانگ و ریسنینگ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تأثیر نوع رابطه بر انگیزه جنسی را بررسی کردند؛ نتایج نشان داد انگیزه‌های جسمانی در افرادی که روابط جنسی گاه‌به‌گاه را ترجیح می‌دهند، بیشتر ظاهر می‌شود؛ درحالی‌که افرادی که دارای رابطه متعهدانه هستند، انگیزه‌های احساسی قوی‌تری را نشان می‌دهند. جمشیدی بورخانی (۱۳۹۵) نیز در مطالعه‌ای دریافت عشق‌ورزی رمانتیک با انگیزه جنسی رابطه معنادار دارد. بررسی پیشینه پژوهشی صورت گرفته در خصوص عشق و تمایلات جنسی، غالباً مسئله تفاوت جنسیتی در سبک‌های عشق را مطرح می‌کند (رافاگینو و پودو، ۲۰۱۸؛ زیگلر-هیل، بریتون، هولدن، ۲۰۱۵). یافته‌های موجود نشان می‌دهد که مردان تمایل بیشتری به سبک عشق تفننی دارند درحالی‌که زنان سطوح بالاتری از عشق افراطی، دوستانه و منطقی را گزارش کردند (فرمانی و همکاران، ۲۰۱۹). این بدان معناست که مردان تمایل دارند اعتقادات و نگرش‌های عاشقانه‌ای داشته باشند که با شهوت همراه است. در مقابل زنان بیشتر بر اساس عشق عملی و احساس ناامیدی روابط خود را ایجاد می‌کنند. بر همین اساس مردان بیشتر از زنان تمایل دارند در روابط جنسی کوتاه‌مدت شرکت کنند (کلارک و هاتفیلد، ۱۹۸۹)، درحالی‌که زنان دچار پشیمانی جنسی می‌شوند (کنایر همکاران، ۲۰۱۸).

دیگر یافته پژوهش نشان داد که اضطراب جنسی بعد از عشق مهم‌ترین پیش‌بینی کننده انگیزه جنسی است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت، اضطراب عملکرد جنسی نشان‌دهنده ترسی است که هنگام انجام عمل جنسی برای شخص به وجود می‌آید (راولند و همکاران، ۲۰۱۹). اگر چه تفکیک دقیق تأثیر عوامل روان‌زاد بر پاسخ جنسی دشوار است، اما مردان و زنان اغلب نگران «کفایت» پاسخ جنسی خود هستند و ابراز دلواپسی می‌کنند، با افزایش این نگرانی، احتمال ایجاد اختلال در آن‌ها افزایش می‌یابد (بانکرافت، ۲۰۰۹)؛ و با شکست‌های پی‌درپی، سطح اضطراب پیش‌بینی کننده عملکرد احتمالاً افزایش می‌یابد که با تداخل در پاسخ جنسی همراه است. به‌طور معمول، فرد تلاش می‌کند تا پاسخ را «دنبال» کند (مثلاً نعوذ در مردان، ارگاسم در زنان) به جای آن‌که اجازه دهد پاسخ به تحریک جنسی «منجر» شود. چنین شکست‌های ترکیبی پیامدهای هیجانی و شناختی را به دنبال دارد- فرد ممکن است دچار افکار منفی مرتبط با شکست، خجالت و شرم شود (بروس و بارلو، ۱۹۹۰؛ رولند و همکاران، ۱۹۹۵؛ رولند و همکاران، ۱۹۹۶؛ نویر و پینتو-گویا، ۲۰۰۸)، ناامیدی، احساس خودکارآمدی پایین و اضطراب او را افزایش می‌دهد- که تمام این‌ها احتمال پاسخ جنسی

¹ Rowland

کافی را کاهش می‌دهد. در واقع، اعمال یک فرد ممکن است بیشتر به سمت کاهش اضطراب (به‌عنوان مثال تلاش برای نفوذ موفق قبل از نعوظ کامل) باشد تا به سمت احساسات مثبتی که معمولاً با صمیمیت جنسی همراه است (رولاند و وان لاکولد، ۲۰۱۹). از جمله محدودیت‌های این پژوهش این بوده که جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان و مردان متأهل شهر تهران در بازه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال تشکیل می‌دهند که این امر تعمیم نتایج را به سایر جوامع با محدودیت مواجه می‌سازد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، رابطه بین عشق و اضطراب جنسی به عنوان عوامل فردی مؤثر بر انگیزه جنسی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج این پژوهش مسیرهای جدیدی را در جهت برنامه‌ریزی راهبردهای پیشگیرانه و درمانی انگیزه و اختلال عملکرد جنسی ایجاد می‌نماید. مشاوران و درمانگران می‌توانند با شناسایی عوامل روانی مرتبط با انگیزه جنسی به درمان انواع اختلالات و کژکاری‌های جنسی بپردازند.

منابع

- ایزدی دهنوی، سعیده. (۱۳۹۴). تغییرات همزمان در نشانه‌های افسردگی و اضطراب با نوسانات عملکرد جنسی در نمونه غیر بالینی زنان متأهل جوان بر اساس ثبت روزانه. *پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی*. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد.
- جمشیدی بورخانی، زهرا. (۱۳۹۵). رابطه بین توجیه روابط فرزندخواندگی و سبک‌های عشق و ریزی در زنان متأهل شهر کرج. *نخستین همایش جامع بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، تهران*.
- سپهریان، فیروزه؛ حسین پور، لیلا. (۱۳۹۱). اختلال کارکرد جنسی زنان و برخی عوامل مرتبط با آن در شهرستان ارومیه. *مجله مطالعات علوم پزشکی*، ۲ (۲۳)، ۱۴۸-۱۵۴.
- صفایی، مینو؛ علیرضایی، سمیه؛ رجب‌زاده، سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط عملکرد جنسی با افسردگی و اضطراب در زنان یائسه مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان تربیت‌حیدریه در سال ۱۳۹۵. *فصلنامه کمیته تحقیقات دانشجویی*، ۲۱ (۶۶).
- فقیه نیا، مریم؛ اسدی، جوانشیر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اختلالات عملکرد جنسی با اضطراب در زنان متأهل شهر گرگان. *اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران*. قم.
- Armstrong, H. L., & Reissing, E. D. (2015). Women's motivations to have sex in casual and committed relationships with male and female partners. *Archives of Sexual Behavior*, 44(4), 921–934.
- Barlow, D. H. (1986). Causes of sexual dysfunction: The role of anxiety and cognitive interference. *Journal of consulting and clinical psychology*, 54(2), 140.
- Bóthe, B., Tóth-Király, I., Potenza, M. N., Griffiths, M. D., Orosz, G., & Demetrovics, Z. (2019). Revisiting the role of impulsivity and compulsivity in problematic sexual behaviors. *The Journal of Sex Research*, 56(2), 166-179.
- Brody, S. (2010). The relative health benefits of different sexual activities. *The Journal of Sexual Medicine*, 7, 1336–1361.
- Carvalho, J., & Nobre, P. (2011). Biopsychosocial determinants of men's sexual desire: testing an integrative model. *The journal of sexual medicine*, 8(3), 754-763.
- Carvalho, J., & Nobre, P. (2011). Predictors of men's sexual desire: The role of psychological, cognitive-emotional, relational, and medical factors. *Journal of Sex Research*, 48(2-3), 254-262.

- Corona, G., Rastrelli, G., Ricca, V., Jannini, E. A., Vignozzi, L., Monami, M., ... & Maggi, M. (2013). Risk factors associated with primary and secondary reduced libido in male patients with sexual dysfunction. *The journal of sexual medicine*, 10(4), 1074-1089.
- Dewitte, M., & Mayer, A. (2018). Exploring the link between daily relationship quality, sexual desire, and sexual activity in couples. *Archives of sexual behavior*, 47(6), 1675-1686.
- Dosch, A., Rochat, L., Ghisletta, P., Favez, N., & Van der Linden, M. (2016). Psychological factors involved in sexual desire, sexual activity, and sexual satisfaction: A multi-factorial perspective. *Archives of sexual behavior*, 45(8), 2029-2045.
- Fermani, A., Bongelli, R., Carrieri, A., del Moral Arroyo, G., Muzi, M., & Portelli, C. (2019). "What is more important than love?" Parental attachment and romantic relationship in Italian emerging adulthood. *Cogent Psychology*, 6(1), 1693728.
- Giraldi, A., Kristensen, E., & Sand, M. (2015). Endorsement of models describing sexual response of men and women with a sexual partner: An online survey in a population sample of Danish adults ages 20–65 years. *The Journal of Sexual Medicine*, 12(1), 116-128.
- Grubbs, J. B., Perry, S. L., Wilt, J. A., & Reid, R. C. (2019). Pornography problems due to moral incongruence: An integrative model with a systematic review and meta-analysis. *Archives of Sexual Behavior*, 48(2), 397-415.
- Hatfield, E. C., Luckhurst, C., & Rapson, R. L. (2011). Sexual motives: the impact of gender, personality, and social context on sexual motives and sexual behavior-especially risky sexual behavior. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*, 5(2), 95-133.
- Kennair, L. E. O., Wyckof, J. P., Asao, K., Buss, D. M., & Bendixen, M. (2018). Why do women regret casual sex more than men do? *Personality and Individual Differences*, 127, 61–67.
- Kinsey, A. C., Pomeroy, W. R., & Martin, C. E. (2003). Sexual behavior in the human male. *American journal of public health*, 93(6), 894-898.
- Mark, K., Herbenick, D., Fortenberry, D., Sanders, S., & Reece, M. (2014). The object of sexual desire: Examining the "what" in "what do you desire?". *The journal of sexual medicine*, 11(11), 2709-2719.
- Masters W. H., Johnson V. E. (1970). *Human sexual inadequacy*. Boston: Little, Brown.
- McCabe, M. P., Sharlip, I. D., Atalla, E., Balon, R., Fisher, A. D., Laumann, E., ... & Segraves, R. T. (2016). Definitions of sexual dysfunctions in women and men: a consensus statement from the Fourth International Consultation on Sexual Medicine 2015. *The journal of sexual medicine*, 13(2), 135-143.
- Meston, C. M., & Buss, D. M. (2007). Why humans have sex. *Archives of sexual behavior*, 36(4), 477-507.
- Nelson, P. A. (1979). Personality, sexual functions, and sexual behavior: An experiment in methodology. *Unpublished doctoral dissertation, University of Florida, Gainesville*.
- Perrotta, G. (2020). Cuckolding and Troilism: definitions, relational and clinical contexts, emotional and sexual aspects, and neurobiological profiles. A complete review and investigation into the borderline forms of the relationship: Open Couples, Polygamy, Polyamory. *Annals of Psychiatry and Treatment*, 4(1), 037-042.
- Pyke, R. E. (2020). Sexual performance anxiety. *Sexual Medicine Reviews*, 8(2), 183–190. doi: 10.1016/j.sxmr.2019.07.001. Retrieved from
- Raffagnino, R., & Puddu, L. (2018). Love styles in couple relationships: a literature review. *Open Journal of Social Sciences*, 6(12), 307-330.

- Rowland, D. L., & Van Lankveld, J. J. (2019). Anxiety and performance in sex, sport, and stage: identifying common ground. *Frontiers in psychology*, 10, 1615.
- Rowland, D. L., & Van Lankveld, J. J. (2019). Anxiety and performance in sex, sport, and stage: Identifying common ground. *Frontiers in psychology*, 10, 1615.
- Satcher, D. (2001). The Surgeon General's call to action to promote sexual health and responsible sexual behavior. *American Journal of Health Education*, 32, 356–368.
- Velloza, J., Kemp, C. G., Aunon, F. M., Ramaiya, M. K., Creegan, E., & Simoni, J. M. (2020). Alcohol use and antiretroviral therapy non-adherence among adults living with HIV/AIDS in Sub-Saharan Africa: A systematic review and meta-analysis. *AIDS and Behavior*, 24(6), 1727-1742.
- Zeigler-Hill, V., Britton, M., Holden, C. J., & Besser, A. (2015). How will I love you? Self-esteem instability moderates the association between self-esteem level and romantic love styles. *Self and Identity*, 14(1), 118–134. <https://doi.org/10.1080/15298868.2014.960445>.
- Hendrick, C., Hendrick, S. S., & Dicke, A. (1998). The Love Attitudes Scale: Short Form. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(2), 137- 142.
- Zhu, B., Fu, Y., Liu, J., & Mao, Y. (2017). Notifiable sexually transmitted infections in China: epidemiologic trends and spatial changing patterns. *Sustainability*, 9(10), 1784.

